

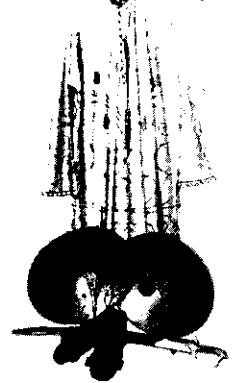


نگاهی به کتاب رهگذر عشق، مجالس تعزیه تألیف حسن فخاری

هومن نجفیان

۵۵

رهگذر عشق



جلب حمایت مردم به کوفه اعزام داشته، اسارت دو فرزند کوچک امام حسین (ع)، محاصره خاندان امام حسین (ع)، بستن آب به روی ایشان، شهادت حضرت عباس که تعهد آب آوردن برای بچه‌های خاندان را دارد، شهادت قاسم که عروسی‌اش با دختر امام حسین (ع) تبدیل به عزا می‌شود، شهادت دو پسر امام حسین (ع) یعنی علی اکبر و علی اصغر، شهادت هفتاد و دو تن یاران امام حسین (ع)، مجالس اسارت زنان خاندان و بردن آن‌ها به پیش یزید در دمشق...» (سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی، جمشید ملک‌پور، ص ۸۴)

از سویی دیگر هر یک از این وقایع در یک مجلس به نمایش درمی‌آید و دارای وحدت موضوع هستند. به عنوان مثال: تعزیه شهادت حر بن ریاحی که در فصل اول این کتاب: (تعزیه کاروان شهادت) آمده است، یک مجلس مستقل است و ضرورتی ندارد که در کنار تعزیه دیگری قرار بگیرد. اما در کتاب حاضر هیچ کدام از مجالس به تنهایی هویت ندارند و می‌بایست در کنار یکدیگر اجرا شوند. زیرا مولف ساختار تعزیه‌ها را در هم می‌شکند و هویت فردی آن‌ها را نادیده می‌گیرد. برای اطلاع از چگونگی این رویداد ما دو نسخه از مجلس تعزیه حر (چاپ سنگی) و تعزیه حر (به کوشش محمدحسین رجایی زفرهای) را با اثر حاضر تطبیق می‌دهیم.

کتاب حاضر به سه فصل، فصل اول: تعزیه کاروان شهادت؛ فصل دوم: تعزیه شب‌های بی‌ستاره (شام غریبان)؛ فصل سوم: تعزیه خطبه خون، تقسیم می‌شود. این تعزیه‌ها به صورت تألیفی و گردآوری تدوین شده است. به عنوان مثال:

فصل اول: تعزیه کاروان شهادت بر اساس مجالس

۱. تعزیه شهادت حضرت ابوالفضل
۲. تعزیه شهادت حر بن ریاحی
۳. تعزیه علی اکبر
۴. تعزیه قاسم
۵. تعزیه شهادت امام حسین (ع) و...

فصل دوم: تعزیه شب‌های بی‌ستاره (شام غریبان)

بر اساس تعزیه بازار شام و...

فصل سوم: تعزیه خطبه خون بر اساس تعزیه وفات حضرت رقیه و...

اما تعزیه‌ها با آنکه به شکل ترکیبی طراحی شده است، در گروه مجالس اصلی (واقعه‌ها) قرار می‌گیرند. «واقعه‌ها شامل مجالس اصلی که راجع به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در صحرای کربلا هستند. در این دسته از مجالس موضوع و اشخاص مذهبی و انگیزه رخداد شبیه نیز شهادت است. به طور کلی تعزیه نامه‌های اصلی در بر گیرنده این وقایع هستند. هجرت امام حسین (ع) و خاندانش از مدینه دستگیری و قتل فرستادگانی که امام حسین (ع) جلوتر برای



ساختار تعزیه حر چاپ سنگی:

یکم - فرستادن یزید فرمان حکومت کوفه را برای ابن زیاد؛
دوم - مشورت نمودن عمر سعد با زوجه و پسران خود؛
سوم - روانه نمودن ابن زیاد حر را برای جلوگیری سیدالشهدا؛
چهارم - پریشان شدن حر ریاحی از فرمان ابن زیاد؛
پنجم - مامور شدن حر برای جلوگیری و گفت‌وگو نمودن با خود؛
ششم - رسیدن مزده بهشت از عالم غیب به گوش حر ریاحی؛
هفتم - تعجب نمودن حر ریاحی از سروش غیبی؛
هشتم - سرداری عمر سعد به امر ابن زیاد سپاه کوفه و شام را؛
نهم - تعهد نمودن عمر سعد قتل حضرت سیدالشهدا (ع) را؛
دهم - خلعت دادن ابن زیاد شمر ملعون را برای جنگ با سیدالشهدا؛
یازدهم - ممنون شدن شمر ملعون از خلعت یزید و ابن زیاد؛
دوازدهم - روانه شدن شمر ملعون به سوی کربلا؛
سیزدهم - جست‌وجو نمودن حضرت زینب (س) برادرش حسین (ع) را؛
چهاردهم - ورود امام حسین (ع) به کربلا؛
پانزدهم - باخبر شدن امام (ع) از قاصد، شهادت مسلم بن عقیل را؛
شانزدهم - رسیدن حر ریاحی با سپاه نزدیک خیمه‌گاه امام (ع)؛
هفدهم - رجز خواندن عباس؛
هجدهم - رجز خواندن حر بن ریاحی علیه‌الرحمه؛
نوزدهم - بار دوم رجز خواندن عباس؛
بیستم - بار دوم رجز خواندن حر بن ریاحی علیه‌الرحمه؛
بیست و یکم - آمدن حر ریاحی به خدمت امام و مکالمه آن حضرت با او؛
بیست و دوم - رسیدن نامه ابن زیاد به دست حر علیه‌الرحمه؛
بیست و سوم - ورود ابن سعد به زمین کربلا و مکالمه او با حر؛
بیست و چهارم - وارد شدن شمر لعین به کربلا و مکالمه او با ابن سعد؛
بیست و پنجم - پشیمان شدن حر و آمدن حر و برادر و پسر و غلام به خدمت امام؛
بیست و ششم - آمدن حر و برادر و پسر و غلام حر، خدمت امام حسین (ع) به عذرخواهی؛
بیست و هفتم - اذن میدان خواستن پسر

حر و رفتن به میدان و شهید شدن او؛
بیست و هشتم - جنگ نمودن حر با سپاه کوفه و شام.
(ساختارشناسی نمایش ایرانی، منوچهر یاری، صص ۱۱۱ و ۱۱۲)
انطباق ساختار تعزیه حر (چاپ سنگی) با تعزیه کاروان شهادت:
یکم - ورود امام حسین (ع) به کربلا منطبق بر رویداد چهاردهم از مجلس تعزیه حر؛
دوم - پشیمان شدن حر و آمدن حر و برادر و پسر و غلام به خدمت امام منطبق بر رویداد بیست و پنجم از مجلس تعزیه حر؛
سوم - آمدن حر و برادر و پسر و غلام حر، خدمت امام حسین (ع) به عذرخواهی منطبق بر رویداد بیست و ششم از مجلس تعزیه حر؛
چهارم - اذن میدان خواستن پسر حر و رفتن به میدان و شهید شدن او منطبق بر رویداد بیست و هفتم از مجلس تعزیه حر؛
پنجم - جنگ نمودن حر با سپاه کوفه و شام منطبق بر رویداد بیست و هشتم از مجلس تعزیه حر.
ساختار تعزیه حر به کوشش محمدحسین رجایی زفره‌ای:
یکم - فرمان قتل حسین بن علی (ع) توسط ابن زیاد و پادشاه قاتلان؛
دوم - سرپیچی حر از فرمان ابن زیاد و و تبعیت ابن سعد از وی؛
سوم - پذیرش فرمان ابن زیاد توسط حر بن ریاحی؛
چهارم - مهاجرت امام از یثرب به کوفه؛
پنجم - تعزیت حضرت زینب پیش از رخ دادن فجایع کربلا؛
ششم - مأموریت حضرت عباس برای تحقیق پیرامون سپاهی که به کاروان امام نزدیک می‌شوند؛
هفتم - شناساندن حر خود را بی آنکه از مأموریتش سخنی بگوید؛
هشتم - شناساندن حضرت عباس خود و خاندان مطهرش به حر بن ریاحی؛
نهم - شرمساری حر از مواجهه با خاندان حضرت رسول و افاضی مأموریتش به حضرت عباس؛
دهم - رساندن خبر مأموریت حر به امام توسط حضرت عباس؛
یازدهم - تعزیت امام برای شهادت یارانش پیش از وقوع فاجعه؛
دوازدهم - پرسش امام از حر برای باخبر شدن از هدف او؛
سیزدهم - درخواست امام از حر برای نجات یارانش با او و باز کردن راه کاروان؛
چهاردهم - تمکین خواسته امام تنها به شرط بیعت با یزید توسط حر؛

پانزدهم - حیرت امام از تناقض گفتار مهربانه و رفتار خشمگانه حر؛
شانزدهم - درخواست آب از امام برای رفع عطش یارانش توسط حر؛
هفدهم - سیراب کردن لشکر حر توسط امام؛
هجدهم - پذیرش خواسته امام توسط حر تنها به شرط آنکه به جای کوفه به سرزمین دیگری برود؛
نوزدهم - حرکت امام و یارانش و رسیدن به سرزمین کربلا؛
بیستم - سرپیچی حر از فرمان ابن زیاد و کوشش برای متقاعد کردن ابن سعد برای نجات یارانش با امام؛
بیست و یکم - تهدید ابن سعد توسط شمر و بیان این نکته که اگر ابن سعد، امام را به قتل نرساند می‌بایست زمامداری ملک ری را به شمر بسپارد؛
بیست و دوم - پرتاب نخستین تیر به خیام امام توسط ابن سعد؛
بیست و سوم - برداشتن بیعت توسط امام از یارانش؛
بیست و چهارم - تردید حر در پذیرش بیعت با امام؛
بیست و پنجم - فراخواندن ابن سعد حر را به مصاف با امام؛
بیست و ششم - درخواست حر از برادر و فرزندش برای تسلیم کردن او به امام؛
بیست و هفتم - درخواست بخشش یا قصاص از امام توسط حر؛
بیست و هشتم - بخشیدن گناه حر توسط امام؛
بیست و نهم - ممانعت امام برای میدان رفتن حر و سرانجام اجازه ایشان؛
سی‌ام - سپردن حر فرزندش را به امام؛
سی‌ویکم - مصاف حر با ابن سعد و شهادت او؛
سی و دوم - آمدن برادر حر به میدان نبرد و شهادت او؛
سی و سوم - آمدن پسر حر به رزمگاه و شهادت او؛
سی و چهارم - آمدن غلام حر به میدان نبرد و شهادت او.
(دفتر شش تعزیه به کوشش محمدحسین رجایی زفره‌ای. بررسی ساختار این تعزیه بر اساس الگوی ساختارشناسی نمایش ایرانی. منوچهر یاری، توسط نگارنده انجام شده است.)
انطباق ساختار تعزیه حر (به کوشش محمدحسین رجایی زفره‌ای) به تعزیه کاروان شهادت:
یکم - حرکت امام و یارانش و رسیدن به

سرزمین کربلا، منطق بر رویداد نوزدهم
تعزیه حر؛

دوم - تهدید ابن سعد توسط شمر منطق بر
رویداد بیست و یکم تعزیه حر؛

اما بیان این نکته که اگر ابن سعد، امام را به
قتل نرساند، باید ملک ری را به شمر بسپارد
در تعزیه کاروان شهادت نمی‌باشد.

سوم - پرتاب نخستین تیر به خیام امام
توسط ابن سعد منطق بر رویداد بیست و
دوم از تعزیه حر؛

چهارم - برداشتن بیعت توسط امام از یارانش،
منطبق بر رویداد بیست سوم از تعزیه حر؛

پنجم - تردید حر در پذیرش بیعت با امام،
منطبق بر رویداد بیست و چهارم از تعزیه
حر؛

ششم - درخواست حر از برادر و فرزندش
برای تسلیم کردن او به امام، منطبق بر رویداد
بیست و ششم از تعزیه حر؛

هفتم - درخواست بخشش یا قصاص از امام
توسط حر، منطبق بر رویداد بیست و هفتم
از تعزیه حر؛

هشتم - بخشیدن گناه حر توسط امام،
منطبق بر رویداد بیست و هشتم از تعزیه
حر؛

نهم - ممانعت امام و سرانجام اجازه ایشان،
منطبق بر رویداد بیست و نهم از تعزیه حر
برای نکته: ممانعت امام میدان رفتن حر در
تعزیه کاروان شهادت نمی‌باشد حر از امام
درخواست می‌کند تا به میدان نبرد برود و
امام اجازه می‌دهند.

دهم - آمدن پسر حر به رزمگاه و شهادت او،
منطبق بر رویداد سی و سوم از تعزیه حر؛

یازدهم - آمدن برادر حر به میدان نبرد و
شهادت او، منطبق بر رویداد سی و دوم از
تعزیه حر؛

دوازدهم - آمدن غلام حر به میدان نبرد و
شهادت او، منطبق بر رویداد سی و چهارم از
تعزیه حر؛

سیزدهم - مصافح با ابن سعد و شهادت
او، منطبق بر رویداد سی و یکم از تعزیه حر.

نکته: آمدن پسر حر، برادر حر، آمدن غلام
حر به میدان نبرد و شهادت ایشان در تعزیه
کاروان شهادت بدون گفت‌وگو شکل می‌گیرد.
از سوی دیگر نحوه این ورود با یکدیگر متفاوت
است. در تعزیه حر به کوشش محمدحسین
رجایی زفره‌ای ابتدا حر سپس برادرش و
سرانجام پسر و غلامش وارد میدان پیکار
می‌شوند اما در تعزیه کاروان شهادت ابتدا حر،
برادر حر، غلامش و سرانجام خودتش.

چنانکه مشاهده کردید نویسندگان بسیاری
از رویدادها را از تعزیه حر را حذف می‌کند
و به تبع آن کارکرد اشخاص بازی را تقلیل

می‌دهد.

منوچهر یاری در کنار ساختارشناسی نمایش
ایرانی پیرامون تعزیه حر می‌نویسد: «در این
تعزیه به جای آنکه حوادث، شخصیت‌ها را به
پیش ببرد، این شخصیت‌ها هستند که حوادث
را پیش می‌برند.» (صص ۱۱۱-۱۱۲)

اما آیا شخصیت تقیل یافته می‌تواند حوادث
تعزیه را به پیش برد؟

نویسنده علاوه بر تقیل حوادث و اشخاص
بازی به تقیل کلام نیز می‌پردازد. به گونه‌ای که
در فصل اول: تعزیه کاروان شهادت شخصیت
امام در سایه، اشخاص دیگر قرار می‌گیرد.
برای تفهیم این نکته باید به تحلیل ساختار
مجلس تعزیه کاروان شهادت بپردازیم.

ساختار تعزیه کاروان شهادت:

یکم - آمدن امام به کربلا و فرمان ایشان
برای ایستادن (گفتار به نثر)؛

دوم - آمدن شمر از کوفه و تحقیر کردن
عمر سعد را؛

سوم - درخواست امام از عمر سعد برای به
تعویق انداختن نبرد؛

چهارم - پذیرفتن عمر سعد درخواست امام
را؛

پنجم - برداشتن بیعت امام از یاران (گفتار
به نثر)؛

ششم - تجدید بیعت یاران با امام (گفتار
به نثر)؛

هفتم - بشارت امام یاران را به رستگاری در
روز محشر (گفتار به نثر)؛

هشتم - مهیا شدن شمر برای نبرد؛

نهم - منازعه شمر و حضرت عباس؛

دهم - بازخواست امام سپاه شام را (گفتار
به نثر)؛

یازدهم - شرمساری حر بن ریاحی از امام؛

دوازدهم - رفتن حر، برادر حر و غلام حر
به خیام امام و درخواست بخشش یا قصاص
از امام؛

سیزدهم - بخشیدن حر توسط امام؛

چهاردهم - اذن جهاد برای حر و بشارت
رستگاری او توسط امام؛

پانزدهم - مجادله حر و ابن سعد؛

شانزدهم - شهادت حر؛

و... تحلیل ساختار تا شهادت حر انجام شده
است.

(گفتارهایی که در کنار آن توضیح نوشته
نشده است به شعر و از مجالس تعزیه وام
گرفته شده است)

نکته دیگر آنکه جدا از شخصیت امام در
فصل اول تعزیه کاروان شهادت که بیشتر با
زبان نثر سخن می‌گوید (هدف ما شعر منثور
نیست) سایر اشخاص به صورت منظوم سخن
می‌گویند.

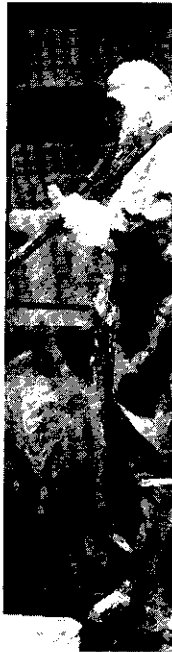
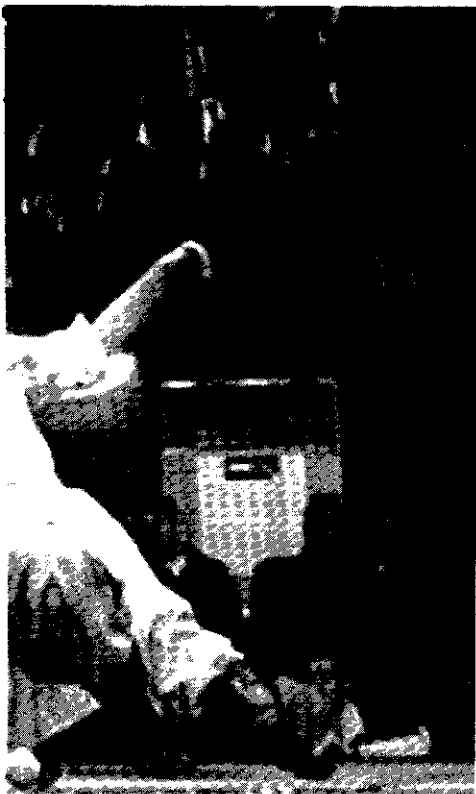
نکته: به استثناء تعزیه خطبه‌خوان که
اشخاص بازی به جز پاره‌ای لحظات گذرا به
زبان منظوم سخن می‌گویند و تمامی تعزیه به
زبان منثور نگاشته شده است.

برای آگاهی از این نوسان به بخشی از تعزیه
کاروان شهادت توجه فرمایید.

امام: ... آیا کسی از شما را کشته‌ام که در
مقابل خون وی مرا به قتل می‌رسانید؟...

امام حسین خورجین پر از نامه را یکی یکی
به سوی آن‌ها می‌اندازد.

ای شیث بن ربیع، ای حجار بن ابجر،
ای قیس بن اشعث، ای یزید بن حارث این
نامه‌های شما نیست... (رهگذر عشق، صص



۲۵ و ۲۶)

پس از پایان گفتار امام، حر از لشکر عمر
سعد جدا شده با خود می‌گوید:

حر: سیه‌روی نشین بر زمین
این فعل بد را معالشی ببین

آخر چه کردی تو بر شاه دین
محشر چه گویی که کردی چنین...

(رهگذر عشق، صص ۲۶)

این نوسان باعث برهم ریختن ساختار اثر
می‌شود. از سویی دیگر به کارگیر نثر (هدف
ما شعر منثور نیست) با ساختار تعزیه در تضاد
است. برای روشن شدن این موضوع به تعبیر
واژه تعزیه در فرهنگ نامه‌ها می‌پردازیم.

۱. تعزیه ۱ نمایشنامه منظومی است که
و‌ضوع آن شهادت حضرت امام حسین (ع) امام
سوم شیعیان است که در کربلا در سال ۶۱
هجری اتفاق افتاد. (واژه‌نامه هنر شاعری،
میمنت دولقدرد، ص ۷۸)

۲. تعزیه زنده‌ترین و ناب‌ترین
ریختار تماشاگران سنتی ایران و حاصل
افزینش‌گری‌های شیعیان این سرزمین بوده
است. تعزیه نمایش سوگ رنج‌های دین
سروان (انبیاء، ائمه، اولیا) و خویشاوندان و
پیروان ایشان و از آن میان به ویژه روایت‌گر
نمایش‌گرانه شهادت حسین بن علی (ع) امام
سوم شیعیان و جمعی از خویشاوندان و یاران



او، و نیز اسارت جمعی دیگر از آنان بوده
است. تعزیه‌های اصلی شورگان نمایش‌های
موسیقیایی موسیقیایی غم‌انگیز و حزن‌آور
و آیین‌اند و موسمی و مناسبتی به نمایش
درمی‌آمده‌اند در موسم محرم و صفر و به
مناسبت سوگواری بر شهادت‌ها. (در آمدی
بر نمایشنامه‌شناسی، دکتر فرهاد ناظرزاده
کرماتی، ص ۴۸)

جدا از این نکات حذف اشعار امام (ع) باعث
پدید آمدن ضرباتی بر پیکر اثر می‌شود.

۱. کاستن قوت اساطیری تعزیه:
«همی‌توانیم بگویم کل تعزیه به شعر است.
می‌توانیم بگویم شعر اگر باشد، یک قوت

اساطیری و معنوی به تعزیه می‌دهد. با شعر
تاکید بیشتری می‌شود بر آن خصیصه. اگر
بگوییم خود تعزیه تماماً شعر است آن وقت
از قوت اسطوره‌های اش کاسته‌ایم. (گفت‌وگو
در باره اسطوره در تعزیه، جلال ستاری و
داوود فتعلی بیگی، روزنامه هموطن سلام)

۲. نادیده گرفتن دین‌باوری مردمان:
«بی‌شک مهم‌ترین دلیل انتخاب این زبان
شعری برای تعزیه ماهیت این نمایش و حضور
شخصیت‌هایی ۲ در مجالس شبیه‌خوانی
است که الگوهای خیر و شر به شمار می‌آیند
و نمی‌توانند، یا بهتر بگوییم که با توجه به
اعتقادات مردم تصور نمی‌شود که بتوانند به
زبان مردم عادی سخن بگویند.» (تأثیر ادبیات
مکتوب بر مجالس شبیه‌خوانی، محمدحسین
ناصریخت، ص ۳۵۸)

۳. زیر پا نهادن مولفه‌های نمایش آیینی:
«زبان شعر باعث ایجاد فاصله با رویداد در
مخاطب می‌شود که خود از ویژگی‌های این
نمایش آیینی است.» (همان کتاب، همان
صفحه)

دومین تقلیل آن است که مولف بسیاری از
اشعار مجالس را حذف می‌کند. و سایر ابیات
را از مجالس تعزیه تدوین می‌کند.

۱. شمر: عباس ای علمدار حسین. ای
پسر پادشه بدر و حنین. بنشین در بر من. از
ره غم‌خواری و یاری. سخنی چند به پایوس
همایون بکنم عرض... (رهگذر عشق، صص
۲۲ تا ۲۴)

شمر: ای علمدار حسین، ای خلف پادشه
بدر و حنین، ای که نداری سر یاری، بنشین
در بر من

سرور من تا که ز غم‌خواری و یاری بکنم
عرض... (تعزیه شهادت حضرت ابوالفضل،
مجالس تعزیه، گردآورنده حسن صالحی‌راد،
ج ۱، ص ۴۱۱ - ۴۱۲)

۲. شمر: ای صیت تو پر شده ز ماهی تا ماه
سردار سپاه اسلام پناه
کم بنده تو منم بود نامم شمر
شیر صف آن قوم و سگ این درگاه
(رهگذر عشق، ص ۲۰)

شمر: ای صیت تو پر شده ز ماهی تا ماه
سردار سپاه اسلام پناه
کم بنده تو منم بود نامم شمر
شیر صف آن قوم و سگ این درگاه
(تعزیه شهادت حضرت ابوالفضل، مجالس
تعزیه، گردآورنده حسن صالحی‌راد، ج ۱، ص
۴۱۱)

۳. حر: سیه‌روی نشین بر زمین
عاقبت کار بد خود ببین
آخر چه کردی تو بر شاه دین
محشر چه گویی که مردی چنین...

(رهگذر عشق، ص ۲۶ - ۲۷)

حر: سیه‌روی نشین بر زمین
این فعل بد را معالش ببین
آخر چه کردی تو بر شاه دین
محشر چه گویی که کردی چنین...
(تعزیه شهادت حر بن ریاحی، تعزیه
گردآورنده حسن صالحی‌راد، ج ۱، صص
۴۶۷ - ۴۶۸)

۴. امام: جان برادر بیا حضرت عباس زار
پشت نموده است حر بر سیه کج مدار
عزت حرمت‌نما دست بکش بر سرش
خیز برادر کنون نزد من او را بیار
(رهگذر عشق، ص ۲۷)

امام: جان برادر بیا حضرت عباس زار
پشت نموده است حر بر سیه کج مدار
عزت و حرمت‌نما دست بکش بر سرش
خیز برادر کنون نزد من او را بیار
(تعزیه شهادت حر بن ریاحی، مجالس
تعزیه، گردآورنده حسن صالحی‌راد، ج ۱، ص
۴۶۸)

۵. شمر: سلطان شعر شام، سلام

یزید: السلام‌ها!

شمر: آورده‌ام خبر

یزید: از کجا؟

شمر: دشت کربلا...

(رهگذر عشق، ص ۷۷ تا ۸۲)

شمر: سلطان شهر شام، سلام

یزید: السلام‌ها!

شمر: آورده‌ام خبر

یزید: از کجا؟

شمر: دشت کربلا...

(تعزیه بازار شام، مجالس تعزیه، گردآورنده
حسن صالحی‌راد، ج ۲، صص ۱۱۴ - ۱۱۷)

بخش گسترده‌ای از فصل دوم: تعزیه
شب‌های بی‌ستاره (شام غریبان) از تعزیه
بازار شام بهره گرفته شده است. در این فصل
نویسنده به جای ارجاع به چندین تعزیه‌نامه
- مانند فصل اول - با استفاده از دو تعزیه‌نامه
یک مجلس کامل را به اتمام رسانده است. آیا
می‌توان بر او نام مولف گذاشت؟ اگر به جای
نام‌گذاری این مجلس به نام تعزیه شب‌های
بی‌ستاره (شام غریبان) از نام تعزیه بازار شام
بهره می‌گرفت آیا نقصانی به وجود می‌آمد.
جز آنکه یاد میر عزا کاشانی را زنده نگه دارد و
اعتباری بر هنر خود بیافزاید.

عمر سعد: نیست پیغمبر، ولی شبه پیامبر
آمده

شمر: کیست شبه مصطفی، ای رو سپاه
نشاتین و...

(رهگذر عشق، ص ۳۷)

عمر سعد: نیست پیغمبر، ولی شبه پیامبر
آمده



فصل چنانکه پیش تر اشاره شد. با ساختار دو فصل پیش تطابق ندارد و فرار گرفتن آن در کنار دو فصل پیشین باعث بر هم ریختن ساختار اثر می شود. در اینجا پرسشی ذهن ما را نسبت به خود معطوف می دارد و آن این است که آیا تعزیه خطبه خوان در گروه مجالس تعزیه به شمار می آید؟ این لحظه اثر دچار تناقض می شود. زیرا صحنه آرایبی نورپردازی تئاتریکال این اثر کوچک ترین شباهتی به یک مجلس تعزیه ندارد. به بخش های از این مجلس توجه کنید:

(نور: نقطه قرمز روی تخت، کم کم تمام قصر رنگ خون... صدای زوزه گرگ هماهنگ با نور قرمز. (تکرار چند بار) تبدیل به صدای تازیانه و ناله (کمی مکث) قهقه خنده، مجدداً زوزه گرگ تازیانه و ناله قطع افکت...) (ص ۹۴)

اما اینجا پرسشی ذهن ما را آزار می دهد که هدف از انتشار این کتاب چیست؟ آیا بهتر نیست به جای خواندن کتابی از این دست، مجالس تعزیه را مرور کنیم و به یاد نمایش از دست شده خود باشیم.

منابع:

الف) مجالس تعزیه:

۱. صالحی راد، حسن، مجالس تعزیه گردآورنده، ج ۱ و ۲، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۸۰.

۲. همایونی، صادق، تعزیه در ایران، انتشارات نوید، شیراز، چاپ اول ۱۳۶۸.

۳. رجایی زفرهای، محمدحسین، دفتر شش تعزیه، انتشارات نمایش، چاپ اول ۱۳۸۱.

ب) کتب:

۱. ملک پور، جمشید، سیر تحول مضامین در شبیه خوانی، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۶.

۲. ناظرزاده کرمانی، فرهاد، درآمدی بر نمایشنامه شناسی، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ دوم ۱۳۸۵.

۳. ذوالقدر، میمنت، واژه نامه هنر شاعری، کتاب مهنار، چاپ دوم ۱۳۷۶.

۴. یاری، منوچهر، ساختارشناسی نمایش ایرانی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (حوزه هنری)، چاپ اول ۱۳۷۹.

۵. ناصر بخت، محمدحسین، تأثیر ادبیات مکتوب بر مجالس شبیه خوانی، انتشارات پرسمان، چاپ اول ۱۳۸۶.

ج) اینترنت:

۱. ستاری، جلال و داوود فتعلی بیگی، گفت و گو درباره اسطوره در تعزیه، روزنامه هموطن سلام، جمعه ۲۸ بهمن ۱۳۸۴.

(تعزیه فاسم، صادق همایونی، تعزیه در ایران، ص ۶۴۷)

در اینجا جایگاه مؤلف روشن نیست، کتاب حاضر نه اثر پژوهشی است نه می خواهد نسخ معنیر تعزیه را انتشار نماید تا از غبار زمان در امان ماند. پس هدف او از انتشار این نوشتار چیست؟ شاید بهترین پاسخ به این پرسش این باشد که

شمر: کیست شبه مصطفی، ای رو سیاه عالمین
و...
(تعزیه علی اکبر، صادق همایونی، تعزیه در ایران، صص ۵۵۸ تا ۵۶۰)
قاسم: ز لطف و مرحمت خویش سرافرازم من میان خیل شهیدان تو بی نیازم کن و...
(رهگذر عشق، ص ۴۰)



پی نوشت:

نگارنده کتاب حاضر تنها در فصل سوم اثر خود تعزیه خطبه خوان دست به ابداع می زند. اما این

قاسم: ز لطف و مرحمت خویش سرافرازم کن میان خیل شهیدان تو بی نیازم کن و...